

بررسی مقایسه‌ای عوامل مشهورات از دیدگاه فارابی و ابن سینا

مهناز امیرخانی^۱

استادیار دانشگاه الزهرا (س)

سیده ملیحه پورصالح امیری^۲

کارشناس ارشد دانشگاه الزهرا (س)

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۹/۰۱

چکیده

این مقاله درصدد جستجوی علل شکل‌گیری آرای است که در منطق به نام مشهوره شناخته می‌شوند. مشهورات از دیدگاه فارابی به عنوان فیلسوف مدنی جهان اسلام و ابن سینا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین وارثان حکمت مشاء بررسی خواهد شد. در آثار فارابی، هیچ‌گونه تصریحی در باب عوامل مشهورات نشده است؛ لیکن از حاصل تأمل در اقسام و آثار مشهورات و اصناف علم مدنی وی می‌توان به عوامل شکل‌گیری مشهورات پی برد. ابن سینا برخلاف فارابی به صورت منسجم به عوامل مشهورات پرداخته و در مهم‌ترین آن‌ها با فحوای کلام فارابی هم‌رأی است. در مجموع می‌توان گفت که هدف مبحث مشهورات فارابی در راستای منشاء شکل‌گیری این آراء (هدف اجتماعات) وصول به سعادت حقیقی است و در ابن سینا مشهورات به عنوان عامل مؤثر در راستای تغییرات مثبت اجتماعات اخذ می‌شود. سرانجام فارابی و ابن سینا تحقیق و تفصیل در حوزه حکمت عملی و فلسفه سیاسی را بر عهده مکتب‌داران و وارثان علمی خود نهاده‌اند. واژگان کلیدی: عوامل مشهورات، فارابی، ابن سینا، سعادت حقیقی، تغییرات مثبت اجتماعات

مقدمه

فارابی عامل تالاقی و وحدت ملت‌های مختلف، سبب بروز افعال مشترک میان ملت‌ها و مایه انس میان بعضی از این جوامع را منوط به مشهورات جوامع می‌داند (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۳۶۴-۳۶۵). از مطالعه در اقسام مدینه‌های ابن سینا و مفهوم مشهورات (همان، ۱۹ و ۱۲۴)؛ (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۲۲۰)؛ همچنین می‌توان به ارتباط میان مشهورات (به عنوان آرای اجتماعی) و اجتماعات پی برد؛ لذا پژوهش در حوزه مشهورات از مهم‌ترین مسائل در جهت مطالعه جوامع و حفظ وحدت آن‌ها محسوب می‌شود. تقدم منطقی در حوزه مشهورات ایجاب می‌کند که ابتدا به

1. Email: amirkhani@alzahra.ac.ir

2. Email: poorsaleh68@gmail.com

«نویسنده مسئول»

بررسی علت‌های شکل‌گیری آرای مشهوره پرداخته شود؛ به عبارتی به سبب یا اسباب شکل‌گیری اقسام مختلف مشهورات پرداخته شود و به تبع آن چگونگی تنوع‌پذیری تبیین مشهورات نیز مورد بررسی قرار گیرد، زیرا در صورت ثبات و یا تغییر علت‌ها، مشهورات نیز به عنوان معلول آن‌ها ثابت می‌مانند یا تغییر می‌کنند.

عمل کردن در راستای برقراری وحدت جوامع با آداب و خلق‌های مختلف و وصول به اهداف مدیر مدینه و یا اهداف مدینهٔ خصم به وسیلهٔ بکارگیری مشهورات جوامع و سوق دادن آرای پذیرفته شدهٔ مردم به سوی اهداف مورد نظر خود^۱، مبتنی بر شناخت علت‌های مشهورات و موارد ثبات و تغییر آن‌ها به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در جوامع است.

به منظور بررسی عوامل مشهورات، ابتدا به تعریف مشهورات نزد هر دو فیلسوف و سپس به نقش آن‌ها در اجتماع از دیدگاه آن‌ها و آنگاه به بررسی تفصیلی عوامل مشهورات نزد هر کدام پرداخته می‌شود. در نهایت مقایسهٔ تطبیقی عوامل مشهورات نزد فارابی و ابن‌سینا ارائه می‌گردد.

۱- تعریف مشهورات از دیدگاه فارابی

فارابی مشهورات را آرای می‌داند که نزد جمهور مردم یا اکثریت آن‌ها یا میان عالمان و عاقلان آن‌ها و یا نزد اهل هر صنعت و پیشه‌ای از آن‌ها در صورت عدم بروز مخالفتی از سوی آن‌ها در جوامع منتشر می‌شود و نقش برانگیزانندگی و داعی را برای مردم آن جوامع در جهت انجام فعل برعهده دارد. از جمله نمونه‌های آرای مشهوره «شکر نعمت‌دهنده حسن است» و «کفر قبیح است» می‌باشد (فارابی، ۱۳۰۸ الف: ۱/۱۹ و ۱۳۴). به تبع ویژگی برانگیزانندگی مشهورات که می‌توان آن را از مبادی انجام فعل محسوب کرد، می‌توان تعریف رسمی بیانگر کارکرد را برای آرای مشهوره از دیدگاه فارابی استنباط کرد. فارابی در آثار خود «رأی» را به عنوان مفهوم «کالجنس» مشهورات می‌آورد و رأی را اعم از یقین و ظن فرض می‌کند؛ در واقع وی یقین و ظن را به منزلهٔ دو نوع تحت جنس واحد رأی قرار داده است (همان، ۴۵۶-۴۵۷) و در بیان رأی ظنی، آن را به اعتقادی که در زمانی برای شخص حاصل است؛ ولی امکان زوال آن در آینده می‌رود تعریف کرده است و از جمله ویژگی‌های آن را امکان زوال اعتقاد به آن از

۱. از آنجا که مقام فکر و نظر، مقدم بر عمل است (ابن‌سینا، ۱۹۷۸: ۱۱۲)، انجام افعال، مسبوق به پذیرش نظریات و آرای در مقام نظر خواهد بود. به همین منظور مدیر مدینه می‌تواند از آرای پذیرفته شدهٔ میان مردم که الگوی عمل افراد قرار می‌گیرد در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر خود استفاده کند (که یکی از اقسام آن‌ها، مشهورات هر جامعه است) و آرا را وضع و مدون کند و آن‌ها را به سمت اهداف خود سوق دهد.

طریق از بین رفتن اعتقاد و یا تغییر آن به طرف مقابل اعتقاد می‌داند (همان، ۴۶۱). طبق نظر فارابی مشهورات در جوامع در قسم نوع ظنی رأی قرار می‌گیرند (همان، ۴۶۴)؛ و در میان اقسام ظن، ظنی متعلق مشهورات محسوب می‌شود که دارای صفت حسن باشد. وی می‌گوید ظن حسن همان رأی مشهور نزد جمهور است (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۳۹۲/۲).

۲- نقش مشهورات در نگاه فارابی

فارابی در تعریف آرای مشهوره، از آن‌ها به عنوان آرای منتشرشده و برانگیزاننده به سوی انجام فعل یاد می‌کند (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۱۹/۱ و ۱۲۴). وی در الجدل، ویژگی و کارکردی را به مشهورات نسبت می‌دهد که نشان‌دهنده خاصه‌های این آراء یعنی ویژگی رواج آن‌ها میان مردم و عامل محرک بودن آن‌ها خواهد بود؛ بدین شرح که وی مشهورات را سبب اتحاد و تلاقی امت‌ها می‌داند و مشهورات را به منزله علتی لحاظ می‌کند که سبب انس و نزدیکی امت‌ها به یکدیگر می‌شود. الفت و نزدیکی میان امت‌ها، سبب بروز افعال مشترک میان آن‌ها می‌شود و صفات جمیل و قبیح میان آن‌ها بر امور مشترکی اطلاق می‌گردد. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که آرای مشهوره، ویژگی ائتلاف جوامع را با حفظ بعد مسافت ملت‌ها و اختلاف اخلاق آن‌ها دارا هستند (همان، ۳۶۴/۱-۳۶۵). در واقع مشهورات با حفظ تفاوت‌های میان جوامع - که تشخیص هر کدام از این جوامع به آن‌هاست - در جهت یکپارچگی و اتحاد میان مدن به کار گرفته می‌شوند. کارکرد آرای مشهوره در جهت اتحاد جوامع، منوط به وضع و مدون کردن یا تغییر دادن این آراء در میان جوامع به منظور ایجاد و یافتن نقاط اشتراک میان مدن و ایجاد وحدت میان آن‌ها و سپس انتشار آن‌ها میان ملت‌ها است. بدیهی است این امر سبب تأثیرگذاری آرای مشهوره در میان ملت‌ها می‌شود و آن‌ها را به سوی پذیرش آراء و انجام افعالی که در راستای رسیدن به اتحاد به آن‌ها کمک می‌کند، برمی‌انگیزاند. این ویژگی مشهورات (شدت تأثیرگذاری آن‌ها در جوامع)، مستلزم پرورش و تربیت عموم به سوی پذیرش مشهورات و رسوخ حداکثری این آراء نزد آن‌هاست؛ و این میسر نمی‌شود مگر با آموزش و تأدیب عموم به گونه فراگیر از زمان خردسالی و جوانی (همان). اگر شخصی با همین شیوه رشد یابد، این آراء جزء بدیهی‌ترین مسائل نزد او شمرده می‌شوند؛ لذا فرد خود را ملزم به پذیرش و رعایت و عمل کردن در راستای مشهورات جامعه خود می‌داند. بنابراین با برنامه‌ریزی، آموزش و تأدیب و فرهنگ‌سازی به افراد در زمان کودکی، از صرف وقت و انرژی برای پرورش افراد در زمان بزرگسالی پرهیز می‌شود؛ زیرا ممکن است افراد در بزرگسالی به اجبار تن به پذیرش اقسام آراء مشهوره در جهت وصول به اهداف جامعه دهند و اگر

خود را در شرایطی بدون اجبار ببیند در راستای منفعت و خواسته‌های شخصی و بدون در نظر گرفتن حقوق افراد عمل کنند. پس از پرداختن به تعریف مشهورات و نقش آن‌ها در جوامع به بررسی عوامل مشهورات پرداخته می‌شود.

۳- عوامل مشهورات در نگاه فارابی

حاصل بررسی عوامل مشهورات در آثار فارابی، عدم تصریح او در این باب است. وی فصل یا متنی را به صورت منسجم و مشخص به عنوان عوامل شکل‌گیری مشهورات اختصاص نداده است؛ لیکن در الجدل جمله‌ای در باب مقدمات مشهورات دارد که تأمل در آن راهگشای جستجوی مورد نظر است.

فارابی بیان می‌کند از جمله اقسام و آثار آرای مشهوره، قسم آرای اخلاقی و افعال مشترکی است که از جوامع و امت‌های مختلف سر می‌زند و به وسیله آن‌ها، ائتلاف میان امم شکل می‌گیرد (فارابی، ۱۴۰۸ ب: ۴۲۱/۱). از گفتار فوق می‌توان نتیجه گرفت اخلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین اقسام مشهورات، بخش اعظم مشهورات در جوامع را تحت پوشش قرار می‌دهد.

همان‌طور که در تعریف مشهورات نزد فارابی آمده است مشهورات، آرای هستند که عامل محرک انسان جهت انجام فعل محسوب می‌شوند و به عبارتی آرای مشهوره در جوامع سبب بروز افعال مشترک میان جوامع - که همان آثار مشهورات است - می‌شوند. به همین ترتیب، عامل شکل‌گیری آرای مشهوره را می‌توان از عوامل بروز افعال مشترک دانست (یعنی عامل شکل‌گیری مؤثر، عامل شکل‌گیری اثر نیز خواهد بود) و بالعکس می‌توان علت اثر را در علت آثارش نیز جستجو کرد؛ زیرا یکی از رهیافت‌های مؤثر در شناخت امور تأمل در آثار و توابع آن‌هاست (قراملکی، ۱۳۸۷: ۳۰۹). بنابراین اگر بنا به دلایلی، علل شکل‌گیری مشهورات - که علت محرک و مؤثر در افعال است - مشخص نباشند، می‌توان با بررسی علت‌های افعال مشترک - که معلول و اثر مشهورات است - پی به علل شکل‌گیری مشهورات برد. نگارنده بر این اعتقاد است که از آنجا که می‌توان به ازای هر قسم از مشهورات (به طور مثال اخلاق) و هر اثر از آن (مانند افعال مشترک)، سبب و عاملی متناسب و مختص به آن را اتخاذ کرد، می‌توان این اسباب و عوامل را به طور غیرمستقیم از اسباب و عوامل مشهورات لحاظ کرد.

فارابی در *احصاء العلوم* از اصناف علم مدنی صحبت می‌کند و اصناف آن را اعم از افعال، سنن آزادی، ملکات، اخلاق و عادات می‌شمارد (فارابی، ۱۹۹۶ الف: ۷۹). از آنجا که علم مدنی به

غایت نهایی انسان، یعنی سعادت و هر آنچه که به آن مربوط می‌شود و همچنین اموری که فرد و جامعه را به سمت سعادت رهنمون می‌سازد می‌پردازد (نیکو صفت راد و سعیدی مهر، ۱۳۹۰: ۳۶)؛ و فارابی نیز انسان‌ها را در جهت حفظ قوام و رسیدن به کمالی که فطرت طبیعی آنان بر آن نهادینه شده است - یعنی سعادت حقیقی - به نحوه زیستنشان در اجتماعات انسانی و مدنی منوط می‌کند و خیر افضل و وصول به سعادت را از طریق مدینه فاضله میسر می‌داند (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۴۲-۱۴۳). می‌توان گفت اجتماعات انسانی و تشکیل مدن از مقدمات و ضروریات وصول به سعادت حقیقی انسانی محسوب می‌شود و این علم با امور سیاسات و ریاسات و اجتماعات پیوند ناگسستنی دارد. از طرف دیگر، مفهوم و کارکرد اصلی مشهورات در زمینه مدینه و اجتماعات و ریاسات بروز و ظهور پیدا می‌کند^۱ و آرای مشهوره آرای اجتماعی تلقی می‌شوند؛ لذا علم مدنی و مسائل و غایات آن با مفهوم و کارکرد مشهورات، دارای وجه اشتراک (در حوزه عمل و اجتماعات انسانی) خواهند بود. بنابراین می‌توان بر اساس علم مدنی و به ازای اصناف آن و اشتراک اخلاق و افعال به عنوان یکی از اقسام و آثار مشهورات با برخی از اصناف علم مدنی، عوامل مشهورات را از دیدگاه فارابی استنباط کرد. در این صورت، اخلاق، سنت‌های ارادی، ملکات، عادات و علل افعال از عوامل مشهورات و موارد تأثیرگذار در آنها نیز از عوامل غیرمستقیم مشهورات به شمار می‌روند.

فارابی بیان کرده است افعال مشترک از جمله آثار مشهورات، عامل وحدت جوامع تلقی می‌شوند (فارابی، ۱۴۰۸: ۴۲۱/۱). از آنجایی که یکی از رهیافت‌های مؤثر در شناخت امور تأمل در آثار و توابع آنهاست، می‌توان از طریق تأمل در علت آثار (علت افعال مشترک) به نوعی پی به اثر و علت اثر (علت مشهورات) نیز برد، بنابراین می‌توان از طریق تأمل در علت‌های تأثیرگذار افعال مشترک به طور غیرمستقیم پی به عوامل مشهورات برد. یکی از عوامل تأثیرگذار در افعال آدمیان، قانون و شریعت است. شریعت در معنای عام خود در جهت افعال آدمیان، قوانین را وضع می‌کند؛ این قانون به وسیله جمهور مردم یا جماعتی از مدبران جامعه و یا توسط مدبر واحدی تشریح می‌شود (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۱۱/۲). اگر وضع قوانین از سوی مدبر واحد و منبع وحیانی باشد، شریعت به معنای خاص کلمه خواهد بود؛ بنابراین قوانین جوامع نیز از جمله عوامل مشهورات محسوب می‌شوند. فارابی ملت، دین، شریعت و سنت را اسامی مترادف می‌داند (فارابی، ۱۹۹۱: ۴۶).

۱. در واقع چیستی و مفهوم آراء مشهوره نیز به اجتماعات انسانی وابسته است و تا اجتماعی نباشد، توافق بر آراء مشترکی معنا نخواهد داشت و انجام نمی‌پذیرد و لذا آراء مشهوره‌ای میان عموم مردم شکل نخواهد گرفت.

دیگر موردی که انسان در افعال خود از آن تبعیت می‌کند، تخیلات انسانی است؛ و چه بسیار است تخیلات انسان که با علم و ظن او در تضاد باشند (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۵۰۲/۱-۵۰۳). بنابراین تخیلات نیز به عنوان عامل تأثیرگذار در افعال آدمی به عنوان یکی از عوامل مشهورات اخذ می‌شود. اگر تخیل در تضاد با علم باشد کاذب و اگر در توافق با علم باشد صادق است. در راستای نقشی که فارابی برای مشهورات مبنی بر ایجاد وحدت میان جوامع قائل است، می‌توان گفت تخیلات صادق مشترکی که میان ملت‌های مختلف وجود دارد می‌تواند علت و منشاء بروز آرای مشترکی میان مردم شود که آرای ملت‌ها را در برخی مسائل بهم نزدیک کند و عامل ایجاد وحدت جوامع گردد. فارابی منشاء برخی از تخیلات صادق مشترک را به عقل فعال مستند می‌سازد و معتقد است حقیقت واحدی از سوی عقل فعال با در نظر گرفتن خلق‌ها و عادات طبیعی مردم بدون مخدوش کردن اصل آن حقیقت به صورت محاکات و انواع مناسب‌ها و تمثیل به عالم انسان‌ها عرضه می‌شود (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۴۳-۱۴۴). بنابراین در میان تخیلات انسانی، تخیلات مشترکی که عقل فعال مفیض آن است می‌تواند عامل وحدت و اشتراک میان جوامع می‌شود؛ در غیر این صورت تخیلاتی که ناشی از انس مردم با عالم طبیعت و ماده است سبب کثرت و اختلاف می‌شود نه عامل اشتراک و وحدت.

مورد دیگری که در هیئات، اخلاق و افعال مردم (به عنوان یکی از اقسام و آثار مشهورات) تأثیر می‌گذارد، انفعالات نفسانی و تخیلات است (فارابی، ۱۹۶۷: ۱۱۸۱). بنابراین توضیح، یکی دیگر از عوامل مشهورات، انفعالات نفسانی است. فارابی انفعالات را به سه قسم انفعالات منسوب به قوه نفس، به ضعف نفس و به حد اوسط نفسانی تقسیم می‌کند (همان، ۱۱۷۹). بر اساس اینکه افراد مدینه به کدام قسم از انفعالات بر اثر عوامل مختلفی مانند تغذیه، محیط جغرافیایی، مزاج و روان افراد متمایل باشند، مشهورات نیز منوط به همان قسم در آن‌ها رواج می‌یابد. عامل تأثیرگذار دیگر در تفاوت انفعالات، جنس نوع بشر است، مانند اینکه عوارض نفسانی مایل به قوه نفس در ذکور بیشتر از انث و عوارض نفسانی مایل به ضعف نفس در انث بیشتر از ذکور است؛ بنابراین مشهورات ناشی از انفعالات در مردان و زنان متفاوت است. شایان ذکر است که فارابی مردان و زنان را در قوای حساسه، متخیله و ناطقه مشترک می‌داند (فارابی، ۱۹۹۵: ۹۵).

از دیگر عوامل مشهورات بر اساس مقدمات و اقسام مشهورات (فارابی، ۱۴۰۸ ب: ۴۲۱/۱)؛ و اصناف علم مدنی (همان، ۱۹۹۶ الف: ۷۹)، اخلاق و عادات جوامع است. فارابی اخلاق و عادات

طبیعی را سبب تمیزبخش جوامع قلمداد می‌کند (همان، ۱۹۹۶: ب: ۷۴). موارد تأثیرگذار بر اخلاق و عادات مختص هر جامعه نیز از عوامل مشهورات محسوب می‌شوند؛ از جمله این موارد انفعالیات، تخیلات (همان، ۱۹۶۷: ۱۱۸۱)، اسباب طبیعی مانند اجرام آسمانی و زمین و عقل فعال است (همان، ۱۹۹۵: ۷۴-۷۶).

۴- وجوه مشترک مشهورات

محسوسات و لذات حسی و هر آنچه که به حیات عاجل آدمیان مربوط می‌شوند، اعرف از سایر امور برای مردم هستند و امکان فهم آن‌ها، آسان‌تر از حقایق و کلیات است (همان، ۱۴۱۳ق: ۲۵۱)؛ لذا مشهورات نیز باید از این ویژگی برخوردار باشند تا مورد پذیرش مردم قرار گیرند و عمل بر طبق آن‌ها صورت گیرد.

فارابی ویژگی حسن را نیز به عنوان شرط آرای ظنی مشهورات و تفاوت آن با سایر آرا یاد می‌کند (فارابی، ۱۴۰۸الف: ۳۹۲/۲). از دیدگاه او در میان اقسام ظن، ظنی متعلق مشهورات محسوب می‌شود که دارای صفت حسن باشد و می‌گوید ظن حسن همان رأی مشهور نزد جمهور است و ظنی که حسن نباشد، رأی مشهور نخواهد بود. بنابراین ظن به عنوان نوع جنس مشهورات، شرط لازم مشهورات محسوب می‌شود و حسن ظن توأمان شرط لازم و کافی مشهورات را می‌سازند.

۵- تعریف مشهورات از دیدگاه ابن‌سینا

ابن‌سینا در اکثر آثار خود رأی را به عنوان مفهوم «کالجنس» مشهورات می‌آورد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴الف: ۳۷/۲؛ ۱۳۲۶: ۵۸؛ ۱۳۸۳: ۲۲۰) و مشهورات را نوع ظنی رأی تلقی می‌کند که طرف مقابل آن (نقیض این آراء) جز با دقت نظر مشخص نمی‌شود و انسان بدون فکر و نظر به سؤالات از این سنخ پاسخ دهنده است (همان، ۱۳۲۶: ۵۸؛ ۱۳۸۸: ۴۳). از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های مشهورات که خاصه‌های آن محسوب می‌شوند عبارتند از: وجوب تصدیقی آرای مشهوره در میان مردم بر اساس شهرت (به این معنا که مردم به محض شنیدن این آراء، آن‌ها را می‌پذیرند و به نحو ایجابی تصدیق می‌کنند) که حاصل ویژگی رسوخ متعارف این آراء در اذهان بر اساس شهرت و تعلق این آراء به حوزه عمل افراد است. ابن‌سینا همچنین شهرت و تسلیم را از حالات فی‌نفسه و ذاتی آرای مشهوره و صناعت جدل اعتبار می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴الف: ۳۷/۲؛ ۱۳۷۹: ۱۱۸؛ ۱۳۲۶: ۵۸؛ ۲۰۰۵: ۹۶؛ ۱۴۰۴: ۴).

۶- نقش مشهورات از دیدگاه ابن سینا

از تأمل در باب مشهورات به عنوان آرای که متعلق به اعمال هستند (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف: ۳۷/۲؛ ۱۳۷۹؛ ۳۳۰-۳۲۱؛ ۲۰۰۷؛ ۶۳ و ۱۱۸) و شدت جزم و رسوخ آن‌ها در اذهان به گونه‌ای که انسان بدون فکر و نظر در پاسخ به آن‌ها مبادرت می‌ورزد (ابن سینا، ۱۳۲۶؛ ۵۸؛ ۱۳۸۸ ب: ۴۳)؛ و کارکرد مشهورات در دامان اجتماعات از دیدگاه فارابی به عنوان عامل اتحاد و تلافی امت‌ها این نتیجه حاصل می‌شود که ارتباط دوسویه‌ای میان مشهورات و جوامع وجود دارد (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۳۶۴/۱-۳۶۵). به این بیان که اجتماعات انسانی مبنای شکل‌گیری مشهورات است و تا اجتماعی نباشد، توافق بر آرای مشترکی صورت نمی‌گیرد و لذا آرای مشهوری میان عموم مردم شکل نخواهد گرفت. از جمله عوامل شکل‌گیری مشهورات در جامعه، نیازهای جامعه و زمان خواهند بود. به بیان دیگر در فرآیند شکل‌گیری مشهورات، نیازهای جامعه و زمان، نقش اساسی دارند و به منزله آب حیاتی هستند که مشهورات در آن‌ها شکل گرفته و جریان می‌یابند (پورصالح، ۱۳۹۳؛ ۱۰۷). در بیان کلی بحث از آراء مشهوره در هر جامعه‌ای، بحث از قواعد و قوانین هنجاری و مبین کنش‌ها و واکنش‌های افعال و کردارهای آدمی است و با مبحث انواع سیاسات، ریاسات، ولایت و سعادت گره می‌خورد (همان، ۶). با توجه به این مقدمات، ضرورت بحث از عوامل مشهورات مشخص می‌شود.

۷- عوامل مشهورات در آثار ابن سینا

ابن سینا عوامل مشهورات را به صورت منسجم و به دو صورت ایجابی و سلبی بیان کرده است. وی در اکثر آثار خود قضایای اخلاقی مانند، عدل حسن است و کذب و ظلم قبیح است را به عنوان نمونه‌های آرای مشهوره آورده است:

۱- آنچه به مصلحت عموم باشد و به صلاح حال مردم مدینه منجر شود مانند، سلب مال انسان قبیح است (ابن سینا، ۱۴۰۴ الف: ۱۸۳/۲؛ ۱۴۰۴ ب: ۳۹)؛ (رازی، ۱۳۸۴؛ ۲۶۸-۲۶۹)؛ (طوسی، ۱۳۸۳؛ ۲۲۱/۱)؛ و هر چه از تأدیبیات صلاحیه که مطابق با شریعت الهی است (ابن سینا، ۱۳۸۳؛ ۲۲۱/۱)؛ (طوسی، ۱۳۸۳؛ ۲۲۱/۱). شیخ طوسی برخی از مصادیق تأدیبیات صلاحیه را که مطابق با شریعت الهی است، سنت غیرمکتوبه می‌نامد (همان). بنا بر بیان فوق، می‌توان دامنه مشهورات را به هر آنچه که به مصلحت عامه و اقتضائات آن می‌انجامد، گسترش داد؛ از جمله قوانین حفظ کشور، جنگ و صلح، مالیات، واردات و صادرات و وضع سنت‌ها را می‌توان نام برد. بنابراین اقسام مشاوری مواد خطابه نیز از عوامل مشهورات خواهند بود.

ابن‌سینا سبب مصلحت را محبت می‌داند و اذعان می‌کند محبت جز با انس و الفت شکل نمی‌گیرد. اساس انس و الفت، عادت است و عادات نیز در اثر محاورت و معاشرت طولانی به وجود می‌آیند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ج: ۴۴۹)؛ بنابراین مصلحت متأثر از عوامل فرهنگی، تاریخی و آداب و سنن جوامع است. این سبب در اکثر آثار از اولین عوامل ذکر شده است و دارای دو ویژگی گستره وسیع میان جوامع و در برخی مواضع سبب اختلاف میان جوامع است؛ زیرا بنا بر نظر فارابی مردم جوامع مختلف در اخلاق و عادات و زبان با یکدیگر متفاوت هستند (فارابی، ۱۹۹۶ب: ۷۴-۷۵)؛ و بر این اساس قوانینی که بر طبق مصلحت عامه برای آن‌ها وضع می‌شود، متفاوت از جوامع دیگر است. قوانین تأدیبیاتی صلاحیه محصول تاریخ و فرهنگ یک ملت است و قابلیت تبیین معرفت‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و روش‌شناختی دارد.

۲- آنچه که حاصل توافق و اجماع ارباب ملل و مذاهب و ادیان است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ب: ۳۹؛ ۲۰۰۵: ۹۶) و احکامی که نشأت گرفته از امور الهی هستند (همان، ۱۹۵۰: ۳۲).

اجماع آرای بزرگان دین و مذهب ملت و قومی، سبب وضع قوانین در هر سه قسم حکمت عملی مدینه، منزل و شخص انسان می‌شود. ریشه سنت غیرمکتوبه از دیدگاه ابن‌سینا به اشتراک مصلحت عامه و اجماع ادیان و مذاهب برمی‌گردد و فخر رازی در این مورد هم‌رأی با ابن‌سینا است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ب: ۳۹)؛ (رازی، ۱۳۸۴: ۲۲۱). این قسم قابلیت تبیین متافیزیکی با توسل به عوامل فرامادی و هستی‌شناختی را داراست؛ زیرا منشاء آن مستند به وحی است. نظر به اینکه شریعت، برنامه و قوانینی را برای هر سه قسم حکمت عملی دارد، این قسم قابلیت تبیین جامعه‌شناختی، روش‌شناختی، روان‌شناختی و الهیات را دارا خواهد بود.

۳- احکامی که حاصل استقرای کثیر هستند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ب: ۳۹؛ ۲۰۰۵: ۹۶؛ ۱۴۰۰: ۱۱۹؛ ۱۳۸۸ب: ۴۴؛ ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱)؛ استقراء منقسم به اقسامی مانند، تقسیم به اطلاقی و یا به حسب اهل هر صنعت و مذهب می‌شود؛ به عبارت دیگر استقراء عام و خاص وجود دارد (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱)؛ (رازی، ۱۳۸۴: ۲۶۹).

این عامل با ابتدای بر محسوسات و قرب به حس، از قدرت اقتناع و پذیرش بالایی برخوردار است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ب: ۸۱)؛ علاوه بر اینکه تعمیم کلی به جزئیات، از ویژگی‌های روانی بشر محسوب می‌شود.

۴- احکامی که برآمده از خلیات انسانی و اقتضائات خلقی و انفعالات نفسانی هستند؛ مانند حیا، رحمت، انفه، حب به تسالم و حیات (ابن سینا، ۱۴۰۴: ب: ۳۹؛ ۱۹۵۰: ۳۳؛ ۱۴۰۰: ۱۱۹؛ ۱۳۸۸ الف: ۳۷؛ ۱۳۸۸ ب: ۴۳؛ ۱۳۸۳: ۱/۲۲۱)؛ (رازی، ۱۳۸۴: ۲۶۸-۲۶۹)؛ (طوسی، ۱۳۸۳: ۱/۲۲۱). شیخ این مصادیق را محرک انسان به سوی فعل معرفی می‌کند. این قسم در اکثر آثار آمده است و نشان از اهمیت این سبب دارد.

ابن سینا از خلیات و انفعالیات تحت عنوان آثار نفسانی، ملکات نفسانی و اقتضای طبیعت انسانی یاد کرده است (ابن سینا، ۱۳۸۸ الف: ۳۷؛ ۱۳۸۸ ب: ۴۳؛ ۱۳۸۳: ۱/۲۲۰). در نظر ابتدایی انفعالات به دلیل ویژگی تغییرپذیری و عدم ثبات از شأن و کارکرد قابل توجهی برخوردار نیستند؛ لیکن در نگاه عمیق‌تر پی می‌بریم که سرمنشاء بسیاری از افعال ما به انفعالات و اقتضائات طبیعی برمی‌گردد. عواطف، هیجانات و انفعالات آدمی، عاملی فطری در میان سایر عوامل و محرکی قوی و برانگیزاننده در جهت انجام افعال محسوب می‌شوند، به گونه‌ای که می‌توان با تقویت برخی از انفعالات آدمی یا تضعیف برخی دیگر انسان‌ها را ملزم به انجام قوانین و یا نهمی از ردایل کرد. لذا می‌توان آن را یکی از عوامل کسب فضایل و اخلاق حسنه به شمار آورد. فارابی نیز انفعالیات و اقتضائات متأثر از آن‌ها را دارای قوه عظیمی در جهت تمکین آراء و اقوال در نفوس می‌داند (فارابی، ۱۴۰۸ الف: ۱/۴۷۲). آثار و ملکات نفسانی تحت تأثیر عوامل ژنتیکی، زیست‌محیطی و جغرافیایی، مزاجی و روحی (روان‌شناختی) قرار می‌گیرند و قابلیت تبیین روان‌شناختی، تجربی و جامعه‌شناختی دارند.

بنا بر تصریح ابن سینا، عوارض نفسانی متأثر از وضعیت‌های روحی هستند و از آن‌ها تبعیت می‌کنند (ابن سینا، بی تا: ۱/۹۴). مزاج نیز بر حالات روحی و نفسانی ما تأثیر می‌گذارد (همان، ۱۰/۳). قوای وهمی و حدسی و حافظه و متخیله و مفکره نیز تحت تأثیر مزاج هستند و انواع حالات روحی از شرارت، سوءظن، ترس، غضب می‌تواند نشأت گرفته از همین عامل باشد (همان، ۸/۳-۹).

۵- سنن کهنی که نسخ نشده‌اند (ابن سینا، ۱۴۰۰ ق: ۱۱۹؛ ۲۰۰۵: ۹۶؛ ۱۳۸۸ ب: ۴۳؛ ۱۹۵۰: ۵۹).

۶- ابن سینا از برخی اقسام در عوامل مشهورات یاد می‌کند که به نظر می‌رسد جایگاه آن‌ها در تداخل باشد مانند، قوه وهمیه و قضایای اولی (همان).

ورود واجبات، در عوامل مشهورات می‌تواند نشان از افزودن قسم جدیدی در عوامل باشد؛ به عبارت دقیق‌تر می‌توان شرط تصور و تصدیق آسان را که از وجوه مشترک

مشهورات محسوب می‌شود، به عنوان یکی از عوامل مشهورات در نظر گرفت (همان، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱؛ ۱۴۰۴: ۳۸؛ ۲۰۰۵: ۹۶)؛ (رازی، ۱۳۸۴: ۲۶۹)؛ (طوسی، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱).

۷- عامل دیگر مشهورات، مشابهت و تناسب آن‌ها با جملات صادقی است که میان مردم مشهور است. تفاوت بین حق بودن و مشهور غیرحق بودن، منوط به قیدی است که عموم مردم از توجه به آن قید قاصر هستند و رأی را کلی قبول کرده و به کار می‌برند. مانند، این رأی مشهور که «خداوند بر هر چیز قادر است»؛ اما رأی صادق آن این است که «خداوند بر هر چیز ممکنی قادر است». بنابراین رأی اول به علت حذف قید «بر هر چیز ممکن»، کاذب است. در بیان کلی راه تشخیص میان حق بودن و باطل مشهوره بودن این آراء توجه به مقید بودن رأی به قید خاص یا عدم تقید آن به قید است (همان، ۲۰۰۵: ۹۶)؛ (طوسی، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱؛ ۱۳۶۱: ۳۴۷).

۸- اشتراک اسمی، قسمی است که تحت عنوان مشاکلت با حق قرار می‌گیرد و سبب مشهور شدن بین مردم می‌شود. این علت، از عامل فوق - که منحصر به آوردن و نیابردن قید است - عام‌تر است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۳۹).

۹- احکامی که برحسب مناسبات با اذهان شکل می‌گیرد از جمله این مناسبات، مناسباتی است که به حسب اصناف تخیل و روابط فیما بین انسان و خیالات وی صورت می‌پذیرد (همان).
۱۰- احکام و اموری که به اقتضای محاورت و مجاورت و عادات مردم شهرت پیدا می‌کند (همان، ۱۹۷۴: ۱۱۶؛ ۱۳۸۸: ۴۲)؛ (رازی، ۱۳۸۴: ۲۶۸).

۱۱- مطالعه در قوای سه‌گانه انسانی در آثار شیخ (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ج: ۴۲۳؛ ۱۴۰۰: ۲۷۶ و ۳۸۵) ذهن را به این رهنمون می‌کند که از دیگر عوامل مشهورات قوای سه‌گانه شهوانی، غضبی، مفکره و همچنین خیر و شر محقق در هر یک از این قوا است. تغذیه، محیط زندگی، قوای روحی، مذهب، فرهنگ و آموخته‌های هر قوم و ملتی را می‌توان از عوامل تأثیرگذار این قوا به سمت هر یک از حالات افراط یا تفریط و یا حد اعتدال دانست. بسته به اینکه افراد ملت و قومی در جهت هر یک از حالات افراط، تفریط یا حد وسط این قوا متمایل باشند، مشهوراتی طبق قوای آن‌ها شکل می‌گیرد و افراد بر طبق آن عمل می‌کنند.

۱۲- شیخ از تقارب مشهورات که اعم از تشابه و تقابل است سخن گفته است (همان، ۱۴۰۴: ۳۷). می‌توان روش فوق را از عوامل تولید مشهورات قلمداد کرد به این صورت که ممکن است رأی مشهوری بر حسب تشابه یا تقابل با رأی مشهور دیگر شکل گیرد. می‌توان تقارب تشابهی را با تمثیل و تقارب تقابلی را با تمثیل سلبی متناظر دانست. لذا شیوه تمثیل در

شکل‌گیری و کثرت مشهورات شیوه مؤثری است. این عامل، استنباط ذایع از ذایع نامیده می‌شود و از جمله آلات صنعت جدل محسوب می‌شود.

۱۳- قوه عامله و اعتبارات سه‌گانه آن^۱. ابن‌سینا از عقل عملی یا قوه عامله به عنوان قوه‌ای که به اندیشه در امور جزئی و وجه مادی انسان می‌پردازد یاد می‌کند (همان، ۱۴۰۴ الف: ۱۸۴/۱). وی تولید و افاضه آرای ذائعه مشهوره را به قوه عامله و اعتبار قوه عامله با خودش منسوب می‌کند (همان، ۱۳۷۹: ۳۳۲: ۲۰۰۷: ۱۱۸؛ ۱۴۰۴ الف: ۳۸/۲) در بیانی تفصیلی، ابن‌سینا برای قوه عامله سه اعتبار در نظر گرفته است که عبارتند از: اعتباری در قیاس با قوه حیوانی نزوعی (سبب حدوث فعل و انفعالاتی در انسان می‌شود مانند خجلت و حیا)، اعتبار آن در قیاس با قوه حیوانی متخیله و متوهمه (استنباط صناعات انسانی و تدابیر در امور کائن و فاسد) و اعتبار آن در قیاس با خودش. وی در بیان اعتبار سوم، آرای متعلق به اعمالی را ذکر می‌کند که بین عقل نظری و عملی تولید و به نام ذائعه مشهوره شناخته می‌شوند مانند، کذب قبیح است و ظلم قبیح است (همان، ۳۷: ۱۳۷۹: ۳۳۰-۳۲۱: ۲۰۰۷: ۶۳ و ۱۱۸). ابن‌سینا توضیح و تبیینی در خصوص اعتبار سوم ارائه نمی‌دهد و تنها به بیان جمله «تولد فیہ بین‌العقل النظری و العقل‌العملی» بسنده می‌کند که می‌توان از این جمله چندین برداشت را دریافت کرد^۲ (پورصالح، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۲).

۸- وجوه مشترک عوامل مشهورات

قابل ادراک بودن مشهورات برای عموم مردم شرط لازم آرای مشهوره محسوب می‌شود؛ زیرا فهم این آراء باید در مقام تصور و تصدیق آسان باشد تا عموم مردم قادر به ادراک آرای

۱. ابن‌سینا قوای نفس ناطقه را به دو قوه عالمه و عامله تقسیم می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ الف: ۱۸۴/۲؛ ۱۳۶۳: ۹۶) و در رساله نفس بیان می‌کند قوه عالمه را عقل نظری و قوه عامله را عقل عملی می‌نامند (همان، ۱۳۸۳: ۲۴). تقسیم‌بندی نفس ناطقه به قوه عالمه و عامله که سرمنشاء افعال و افکار انسان می‌باشد در حوزه انسان‌شناسی ابن‌سینا از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲. یک برداشت را می‌توان طبق قاعده «تعرف الاشیاء باضدادها» و در وجه قیاسی تفسیر کرد. آرای محموده در مقایسه با عقل نظری، قضایای اولی باب برهان نیستند و معرفت به آن‌ها ذاتی نیست؛ لذا در شرایط فطرت عقل (نظریه‌ای که ابن‌سینا در آن انسان را خالی از تمامی اکتسابات و آموختنی‌ها فرض می‌کند و او را برای تمییز میان قضایای اولی و آراء مشهوره در معرض شک قرار می‌دهد (همان، ۱۳۸۳: ۲۲۰/۱)؛ شک بر آن‌ها عارض می‌شود و در مقایسه با عقل عملی نیز آرا جزئی معطوف به عمل نیستند که به سرعت عمل بر طبق آن انجام پذیرد. حفاصل بین این آراء و انجام عمل استنتاج‌های دیگر و شاید تبدیل هست‌ها به باید‌ها باشد.

مشهوره باشند؛ زیرا پیچیده بودن عبارات سوءفهم و امکان برداشت‌های مختلف را در پی خواهد داشت و طبع انسان از پذیرش چنین آرای گریزان است (همان، ۱۴۰۴: ب: ۳۸).
طبع انسانی از تصدیق به امر کلی و انتزاعی و دور از ذهن گریزان است (همان، ۴۰).
این مورد ویژگی اکثریت مردمی است که با عالم طبیعت خو گرفته‌اند؛ اما عقولی که توجه خود را معطوف به عالم فوق نفسانی کرده‌اند از توجه به این امور رویگردان نیستند و نسبت به امور کلی تنافر ندارند. لذا باید آرای مشهوره از کلی و انتزاعی بودن به دور باشند و به سطح فهم و ادراک مردم نزدیک باشند تا مورد قبول آن‌ها قرار گیرند. این مورد به ویژگی اول نزدیک است.

مستحسنه بودن مبادی قوه عقل عملی، از دیگر ویژگی‌های مشهورات و تمام مواد قوه عقل عملی محسوب می‌شود (همان). به نظر می‌رسد ویژگی مصلحت عامه و اخلاق فاضله ذایعات در کلام شیخ طوسی مبتنی بر این سخن ابن‌سینا باشد (طوسی، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱).
عموم مردم از زمان طفولیت با مشهورات آشنا شده و بر اساس این تعالیم پرورش یافته‌اند. استمرار آن‌ها بر سمع و آموختن این تعالیم چنان در نفوسشان ریشه دوانیده که برایشان چون امور فطری و غریزی شده است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ الف: ۱۸۳/۲؛ ۱۴۰۰: ۱۱۹).

۹- مقایسه عوامل مشهورات میان فارابی و ابن‌سینا

پیش از پرداختن به مقایسه عوامل مشهورات، لازم است ابتدا به مقایسه میان تعریف مشهورات در آثار فارابی و ابن‌سینا بپردازیم. در منطق ارسطویی نظام جنسی و فصلی برای ارائه تعریف حقیقی (حد تام) به وجود آمده است تا به وسیله آن به تحلیل ماهوی امور پرداخته شود. بر این مبنا، صرفاً ماهیات به علت داشتن اجزای ماهیت قابل تعریف می‌باشند (قراملکی، ۱۳۸۷: ۱۶۷). به موازات مبحث تعریف در منطق ارسطویی، فارابی و ابن‌سینا هر دو در تعریف مفهوم مشهورات - که از ماهیات نیستند - نوع ظنی رأی را به عنوان مفهوم «کالجنس» أخذ کرده‌اند. ویژگی مؤثره بودن مشهورات نزد فارابی که نشان از نقش برانگیختگی مشهورات در انسان‌ها به سوی انجام افعال دارد (فارابی، ۱۴۰۸: ق: ۱۲۴/۱) به تعبیر شیخ از عقل عملی (عقل مولد مشهورات) به عنوان مبدأ تحریک قوه شوقیه نزدیک است (ابن‌سینا، ۱۴۰۰: ق: ۸۷-۸۸؛ ۱۴۰۴: ۳۰). فارابی مشهورات را عامل ایجاد وحدت و تلاقی ملت‌ها می‌داند. از تأمل در این نقشی که وی برای مشهورات قائل شده است می‌توان دریافت ویژگی‌هایی را که ابن‌سینا برای این آرا قائل شده است، به نوعی تحلیل این نقش مهم برای

مشهورات از دیدگاه فارابی - و نیز سایر کارکردهایی است که این آراء می‌توانند در حوزه اجتماع از جمله استفاده از آن‌ها برای وصول جامعه به اهداف مدبر جامعه و نخبگان آن‌ها و یا حتی مدینه خصم داشته باشند - محسوب می‌شود. زیرا تا سنخ این آراء متعلق به حوزه عمل افراد نباشد و تا از رسوخ حداکثری در اذهان برخوردار نباشد و به مرحله تصدیق و جویی نزد مردم نرسند، میان مردم از مقبولیت برخوردار نخواهند بود، لذا این نقش‌ها برای آن‌ها تثبیت نمی‌شود. بنابراین حاصل تأمل در ویژگی‌های این آراء نزد فارابی و ابن‌سینا نشان‌دهنده آن است که مبحث این دو فیلسوف در حوزه تعریف مشهورات مکمل هم محسوب می‌شوند و ابن‌سینا در صدد تفصیل و وضوح بیشتر این آراء برآمده است.

فارابی در هیچ‌کدام از آثار خود به عوامل شکل‌گیری مشهورات تصریح نکرده است؛ اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شده است می‌توان از تأمل در مفهوم مشهورات و اخلاق و افعال مشترک به عنوان مقدمات اقسام و عوامل آرای مشهوره و اصناف علم مدنی، عوامل مشهورات را استنباط کرد. در این راستا می‌توان موارد تأثیرگذار بر عوامل مشهورات اعم از انفعالیات، تخیلات و ... را از عوامل درجه دوم مشهورات و موارد مؤثر بر عوامل درجه دوم اعم از شرایط روحی و نوع جنس بشر و ... را از عوامل بعید مشهورات محسوب کرد. ابن‌سینا برخلاف فارابی در اکثر آثار خود به صورت منسجم به عوامل مشهورات می‌پردازد و در مهم‌ترین عوامل مشهورات با فارابی مانند اخلاق، عادات، شریعت، انفعالیات، تخیلات، مزاج و شرایط روحی هم‌رأی است. علاوه بر این ابن‌سینا در اعتبار سوم عقل عملی از تولد آرای منتشره مشهوره سخن می‌گوید و از عقل عملی با عنوان قوه مولد این آراء یاد می‌کند؛^۱ اما فارابی در آثار خود از عقل عملی با عنوان قوه مولده یاد نمی‌کند و یکی از وظایف عقل عملی از دیدگاه ابن‌سینا یعنی استنباط احکام و جوب افعال انسانی (همان، ۱۳۸۳: ۳۵۲/۲) را به عقل عملی نسبت می‌دهد (فارابی، ۱۹۰۷م: ۷۴؛ ۱۳۴۹: ۱۰). حاصل تأمل در مبحث علت‌های شکل‌گیری اقسام مختلف مشهورات این است که چند عاملی بودن پدیده مشهورات نشان‌دهنده قابلیت مشهورات در پذیرش تبیین‌های مختلف است. بنابراین مشهورات به اقتضای اسباب و علل خود، پدیده‌ای

۱. با وجود اینکه ابن‌سینا به صورت منسجم به مبحث علل و عوامل مشهورات (به عنوان یکی از مواد اصلی عقل عملی است و تأثیر غایی آن در اجتماع و در هر سه قسم حکمت عملی در زندگی مردم ظهور می‌کند) می‌پردازد؛ ولی همت خود را در سیر علمی خود، مصروف پی‌ریزی و تحکیم حکمت نظری و زیرساخت‌ها و مبانی حکمت عملی کرده است و در اکثر آثار از عقل نظری و عقل عملی به عنوان مبانی علوم و حکمت عملی بحث کرده است (پورصالح، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

کثیرالاضلاع و چند تباری هستند که قابلیت تبیین از جهات مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و ... را دارند. وجوه مشترک مشهورات نزد فارابی با وجوه مشترک ابن‌سینا (ویژگی تصور و تصدیق آسان و برخورداری از ویژگی قرب به حس) اشتراک دارد؛ با این تفاوت که ابن‌سینا مستحسنة بودن را ویژگی تمام مبادی قوه عقل عملی از جمله مشهورات می‌داند؛ اما فارابی حسن را شرط لازم مشهورات و مختص به آن لحاظ می‌کند. هدف فارابی از مبحث آرای مشهوره و عوامل آن را باید در راستای عامل وجودی این آراء یا به عبارتی سرمنشاء شکل‌گیری آن‌ها یعنی مبحث اجتماعات او تبیین کرد. فارابی هدف از تشکیل اجتماعات و مدینه فاضله را رسیدن به کمال و سعادت حقیقی انسان‌ها می‌داند (همان، ۱۹۹۵: ۱۱۲-۱۱۳). در این راستا می‌توان هدف تمامی اقتضائات زندگی اجتماعی در اجتماعات فاضله، اعم از آراء و ارکان و افعال و هر آنچه که برخاسته از این اجتماعات هستند و در راستای وصول به اهداف اجتماعات وضع و مدون می‌شوند را وصول به اهداف اجتماعات فاضله دانست. از جمله آرای که در مفهوم و غایت خود وابسته به اجتماعات و برخاسته از آن‌ها هستند و می‌توانند نقش مهمی در وصول به اهداف مدینه فاضله ایفا کنند آرای مشهوره هستند. لذا آرای مشهوره به عنوان آرای اجتماعی اخذ می‌شوند که هدف از آن‌ها به موازات هدف منشاء آن‌ها، وصول به نهایت غایت آدمی یعنی سعادت است. عبارات فارابی در باب موضوعات اقاویل شعری را می‌توان به عنوان شاهی بر مبحث مشهورات و غایت آن و متناظر با این مباحث آورد. وی اشیای ارادی را از موضوعات اقاویل شعری به شمار می‌آورد و زیرمجموعه آن را اعم از هیئات، اخلاق، عادات، افعال، انفعالات، هیئات نفسانی و احوال بدنی و خارج بدنی می‌داند. وی اقاویل شعری را در جهت امور جدی و امور لهو و لعب استعمال می‌کند و امور جدی را به عنوان ابزار و وسیله‌ای اخذ می‌کند که در جهت رسیدن به کامل‌ترین مقصود انسانی (سعادت قصوی) استعمال می‌شوند و امور لعبی را در جهت راحتی افراد استعمال می‌کند که آن هم در نهایت به اهداف افعال و امور جد منتهی می‌شوند (همان، ۱۹۶۷: ۱۱۸۳-۱۱۸۵). چنانچه ملاحظه می‌شود زیرمجموعه اشیای ارادی همان عوامل استنباط شده مشهورات هستند که تحت موضوعات اقاویل شعری در صناعت موسیقی در هر دو هدف جدی و لعبی به نهایت غایت انسانی که همان هدف از تشکیل اجتماعات انسانی است منتهی می‌شوند. ابن‌سینا سخنی در دو اثر خود در باب مطالعه مدن دارد که می‌توان از تأمل در آن به هدف از مبحث مشهورات - و یا حداقل یکی از اهداف آن - پی برد. وی توصیه می‌کند که مدینه‌ها و احوالات آن‌ها،

وجوه ثبات و تغییر، ترتب آن‌ها و جهات صلاح و فسادشان شناخته شود. او علت انتقال سیاست را در تغییر احوالات مدن جستجو می‌نماید (ابن سینا، ۱۹۵۰: ۳۷). می‌توان از مفهوم مشهورات و ارتباط ناگسستگی آن با اجتماعات و تأثیر آن در عملکرد مردم جوامع، آن را به عنوان یکی از مصادیق تغییر احوالات مدن قلمداد کرد. در بیان تفصیلی باید گفت با توجه به مفهوم مشهورات و علل شکل‌گیری آن اعم از مصلحت عامه، خلیقات و ... نتیجه می‌شود که میان مشهورات و اجتماعات انسانی پیوند ناگسستگی وجود دارد و عوامل مشهورات و به تبع، خود مشهورات می‌توانند منعکس‌کننده شرایع و قوانین، خلیقات و مصالح عامه مردم و رفتارها و کردارهای مردم جامعه باشند. به همین دلیل، مدبرین مدن فاضله می‌توانند آرای مشهوره و پذیرفته شده میان مردم را - که الگوی عمل آن‌ها قرار می‌گیرد - در جهت پیشبرد مقصود خویش وضع کنند یا تغییر دهند. لذا مشهورات، آرای اجتماعی تلقی می‌شوند که در کنش‌ها و واکنش‌های مردم جامعه و رفتارهای آن‌ها - که نشان از فرهنگ جامعه دارد و اهداف جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد - و در کل جامعه تأثیرگذار خواهند بود و می‌توانند یکی از عوامل و مصادیق تغییر و تحولات در جوامع به شمار آیند. با این توصیفات مشخص می‌شود هدف فارابی از بیان مباحث مشهورات به عنوان آرای اجتماعی در راستای هدف اجتماعات (سرمنشاء این آراء)، وصول به سعادت حقیقی انسان‌ها است و از دیدگاه ابن‌سینا استنباط می‌شود که مشهورات یکی از مصادیق احوالات و تغییرات مدن و تأثیرگذار بر الگوی رفتاری جوامع است. به نظر می‌رسد دیدگاه ابن‌سینا نسبت به دیدگاه فارابی تقدم دارد و می‌توان از مشهورات جوامع در راستای تغییرات مثبت سیاست‌ها و در نهایت وصول به سعادت حقیقی انسان‌ها بهره‌برداری نمود.

نتیجه‌گیری

توجه فارابی به مباحث اجتماعیات و مطلوب حقیقی انسان‌ها و کثرت آثارش در حوزه فلسفه سیاسی او را به عنوان فیلسوف مدنی جهان اسلام شناسانده است. مبحث فارابی و ابن‌سینا در حوزه تعریف مشهورات مکمل هم محسوب می‌شوند و ابن‌سینا پیرو فارابی در صدد تفصیل و وضوح بیشتر این آراء برآمده است. با تأمل در عوامل آرای مشهوره در آثار فارابی درمی‌یابیم که وی به نحو پراکنده به آن‌ها - به عنوان آرای اجتماعی که در مفهوم و غایت وابسته به اجتماعیات هستند و نقش مهمی در وصول به اهداف جوامع دارند - پرداخته است.

ابن‌سینا، برخلاف فارابی کمتر به حوزه فلسفه سیاسی و مباحث سیاست توجه نشان داده ولی در بحث مشهورات به صورت منسجم به عوامل مشهورات پرداخته است. با این حال، عوامل اصلی مشهورات در آثار این دو فیلسوف مشترک است. به نظر می‌رسد فارابی و ابن‌سینا هر یک با نظر به اقتضات زمان و وضعیت مسائل و نیازهای فلسفی عصر خود، عمده توجه‌شان را معطوف به مسائل فلسفی کرده‌اند و اکمال حوزه فلسفه سیاسی و توجه به حکمت عملی را برعهده مکتب‌داران و وارثان علمی خود گذاشته‌اند. حال اینکه این سیر علمی در حوزه حکمت عملی تا چه اندازه مورد عنایت متأخرین بوده، محل تأمل و بررسی است. سرانجام از مباحث فارابی در حوزه مشهورات و عوامل آن نتیجه می‌شود که مشهورات می‌توانند یکی از عوامل و آرای مؤثر در هدایت مردم جامعه به سمت وصول به سعادت حقیقی باشند و از مباحث ابن‌سینا نتیجه می‌شود که مشهورات از جمله مصادیق تغییر احوالات مدینه و انتقال سیاست محسوب می‌شوند و می‌توان آن‌ها را در راستای تغییرات مثبت سیاست و دستیابی به سعادت حقیقی انسان‌ها به کار برد.

منابع

الف- فارسی

۱. برخوردار، زینب؛ «تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن‌سینا (مفاتیح الخزان)»، پایان‌نامه دکتری، اساتید راهنما: دکتر نجفقلی حبیبی و دکتر احد فرامرزقراملکی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ۱۳۸۸ الف.
۲. _____؛ «تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن‌سینا (المنطق الموجز)»، پایان‌نامه دکتری، اساتید راهنما: دکتر نجفقلی حبیبی و دکتر احد فرامرزقراملکی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ۱۳۸۸ ب.
۳. پورصالح امیری، سیده ملیحه؛ «تبیین مشهورات در منطق ابن‌سینا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی: دکتر مهناز امیرخانی و مشاوره دکتر زینب برخوردار، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده الهیات، ۱۳۹۳.
۴. فرامرز قراملکی، احد؛ *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۵. نیکو صفت راد، احمد؛ سعیدی مهر، محمد؛ «فلسفه مدنی و علم مدنی، نگاهی به حکمت عملی فارابی»، مجله پژوهش‌های اخلاقی، سال اول ۱۳۹۰، شماره ۴.

ب- عربی

۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله: *الاشارات والتنبيهات*، قم، نشر البلاغ، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. _____: *تسع رسائل في الحكمة والطبيعات*، قاهره، دارالعرب، چاپ دوم، ۱۳۲۶ه.ق.
۸. _____: *التعليقات، تحقيق عبدالرحمن بدوي*، بيروت، مكتبة الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ه.ق.
۹. _____: *دانش نامه علائی (منطق)*، مقدمه و حواشی و تصحيح دكتر محمد معين و سيد محمد مشكوة، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۰. _____: *رسائل ابن سینا*، قم، انتشارات بيدار، ۱۴۰۰ه.ق.
۱۱. _____: *رسائل ابن سینا ۲*، به اهتمام حلمی ضياء اولكن، استانبول، دانشكده ادبيات استانبول، ۱۹۵۳م.
۱۲. _____: *رساله احوال نفس*، مقدمه و تحقيق از فواد الاهواني، پاریس، داربيبيون، ۲۰۰۷م.
۱۳. _____: *رساله في ما تقرر عنده من الحكمة*، نقل در مبحث عن القوى النفسانية او كتاب في النفس على سنة الاختصار، تقديم و ترجمه و تحقيق ادورد كرنيليوس فنديك، بيروت، داربيبيون، ۲۰۰۵م.
۱۴. _____: *الشفاء (طبيعات)*، تحقيق سعيد زائد، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ (الف) ه.ق.
۱۵. _____: *الشفاء (جدل)*، تحقيق سعيد زائد، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ (ب) ه.ق.
۱۶. _____: *الشفاء (الهيئات)*، تحقيق سعيد زائد، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ (ج) ه.ق.
۱۷. _____: *قانون*، بی جا، بی نا، مأخوذ از كتابخانه دانشگاه تهران، بی تا.
۱۸. _____: *المجموع او الحكمة العروضية في معاني كتاب ريطوريقا*، تحقيق و شرح دكتر محمدسليم سالم، قاهره، مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۵۰م.
۱۹. _____: *كتاب الانصاف*، نقل در ارسطو عندالعرب، عبدالرحمن بدوي، كويت، وكالة المطبوعات، چاپ دوم، ۱۹۷۸م.
۲۰. _____: *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامي، ۱۳۶۳.

۲۱. _____: *مختصر الاوسط*، کتابخانه ایاصوفیه استانبول، بی‌تا.
۲۲. _____: *الموجزة فی المنطق*، کتابخانه دانشگاه استانبول، بی‌تا.
۲۳. _____: *النجاة من الغرق فی بحر الضلالات*، مقدمه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۲۴. _____: *النجاة و عیون الحکمة*، تصحیح عبدالرحمن بدوی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۰ه.ق.
۲۵. _____: *الهدایة*، تحقیق و تقدیم محمد عبده، قاهره، جامعه قاهره، ملتزم الطبع و النشر مکتبه القاهرة الحدیثة، چاپ دوم، ۱۹۷۴م.
۲۶. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ *شرح الاشارات و التنبیها*، مقدمه و تصحیح دکتر نجف‌زاده، تهران، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۷. طوسی، محمد بن محمد بن حسن؛ *اساس الاقتباس*، به تصحیح مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
۲۸. فارابی، ابی نصر محمد بن محمد بن طرخان؛ *الاعمال الفلسفیه*، مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر جعفر آل یاسین، بیروت، دارالمناهل، چاپ اول، ۱۴۱۳ه.ق.
۲۹. _____: *احصاء العلوم*، مقدمه و شرح از دکتر علی ملحم، بیروت، مکتبه الهلال، چاپ اول، ۱۹۹۶ (الف) م.
۳۰. _____: *آراء اهل المدینة الفاضلة و مضاداتها*، مقدمه و شرح و تعلیق از دکتر علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۹۹۵م.
۳۱. _____: *الدعاوی القلیبیه*، حیدرآباد دکن، نشر مجلس دائرةالمعارف العثمانیه الکائنة، چاپ اول، ۱۳۴۹.
۳۲. _____: *السیاسة المدنیة*، مقدمه و شرح از دکتر علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، چاپ اول، ۱۹۹۶ (ب) م.
۳۳. _____: *عیون المسائل در کتاب المجموع*، به یاری احمد ناجی الجمالی و محمد امین الخائجی، مصر، نشر السعادة بجوار محافظة مصر-لصاحبها محمد اسماعیل، چاپ اول، ۱۹۰۷م.
۳۴. _____: *فصول منتزعة*، تحقیق و تصحیح و تعلیق از دکتر فوزی نجار، تهران، مکتبه الزهرا (س)، چاپ دوم، ۱۴۰۵م.
۳۵. _____: *فلسفه ارسطوطالیس و اجزاء فلسفته و مراتب أجزائها*، تحقیق و تعلیق از دکتر محسن مهدی، بیروت، نشر دار مجله شعر، ۱۹۶۱م.

۳۶. _____: **کتاب الحروف**، مقدمه و تحقیق و تعلیق از محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۶م.
۳۷. _____: **کتاب الملة و نصوص اخرى**، مقدمه و تحقیق و تعلیق از محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق، چاپ سوم، ۱۹۹۱م.
۳۸. _____: **موسیقی الكبير**، تحقیق و شرح غطاس عبدالملک خشبه، مراجعه و تصدیق محمود احمدالحضنی، قاهره، دارالکاتب العربی للطباعة، ۱۹۶۷م.
۳۹. _____: **المنطقیات**، تحقیق و مقدمه از محمدتقی دانش پڑوه، قم، جلد ۳، مکتبه آیه الله المرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۸ (الف) ه.ق.
۴۰. _____: **النصوص المنطقیة**، تحقیق و تقدیم محمدتقی دانش پڑوه، اشرف السید محمود المرعشی، قم، نشر مکتبه آیه الله العظمی المرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ (ب) ه.ق.